

آزادی چیست؟ حدود آن کدام است؟

ما در این شماره از فصلی
آزادی های اجتماعی
بر فردی و ملی
در ضمن حال
هوایار حادی
آزادی های فردی
در خارج جوت
آزادی های
اجتماعی هستیم

یکی از برجسته های ساخت
امپریالیسم علیه سوسیالیسم علمی این
است که گویا آقایان (امپریالیست ها)
مدافع جان سوخته آزادی ها هستند و
مارکسیست ها آن را این موهبت بزرگ
اجتماعی را، انکار می کنند و نوعی
"بردگی امروزین" را به پناه "جامه -
گرای، علم می سازند!
از زمان باکونین و شتیرنر، اندیشمندان
برداران آثارشیت خردمپوزوایی در
سده نوزدهم، این دعای را علیه
مارکس وانگلس، بیان آوردند و تا
امروز ادامه دارد. امروز هم لیبرال های
ما همین مقاله کهنه را آشوب می کنند و
خود را پاسداران آزادی و انقلابیون
مارکسیست را پایمال کنندگان آن جلوه
می دهند.

نه فقط غنم، بلکه خود آزادی های
اجتماعی، بنیادی را منکرند، لذا حزب
ما بی کمترین درنگ، دمکرات های
انقلابی را (در کشور ما بیرون خط
امام را) که به تقدم استقلال و عدالت
اجتماعی بر آزادی های فردی معتقدند
(بدون آنکه از جانب ما و آنها آزادی
فردی انکار شود) بر لیبرال ها ترجیح
می دهد.

در جریان انقلاب ایران، این
اختلاف لیبرالها و دمکراتهای انقلابی
از همان آغاز روشن بود و ما بارها در
مطبوعات خود آن را مطرح کردیم و
گفتیم که مبارزه این دو قطب در انقلاب
ایران روند "گمراه" نام دارد، و ما در
روند "گمراه" مشتاق پیروزی جهت
دمکراتیک بر جهت لیبرال هستیم.
اشتیاق ما به پیروزی مواضع است
و نه پیروزی اشخاص. این را ما بی انقطاع
گفته ایم. ما با احدی حب و بغض شخصی
نداریم و غالباً اشخاص را بطور خصوصی
جز نام نمی شناسیم. ما در این مبارزه
در اندیشه مصالح شخصی و گروهی خود
نیستیم و مصالح کل جامعه را در نظر
می گیریم.

ما بسیار شادمان خواهیم شد که
عظمت روشن شدن علمی حزب ما، کسانی
را که ناگاهانه و ناخواسته در کنار
لیبرالها و در مواضع لیبرالها قرار
گرفته اند، قانع کند و آنها بتوانند با
کشیدن مرز روشن بین خود و لیبرالها،
جنبه انقلابیون را تقویت کنند.
انقلابیون راستین، صرف نظر از
تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و
مذهبی، می توانند و باید با طرد
لیبرالیسم برای ایجاد ایرانی رها از
استعمار، استبداد و استعمار، ایرانی
مستقل، آزاد، آباد و مترقی متحد
شوند.
پس مسئله تها بر سر "استبداد"
نیست. اگر استعمار و نو استعمار
(امپریالیستی) و استعمار و غارت
(فئودالی و سرمایه داری) باقی بماند
استبداد، که فرزند اصل آنهاست،
حتماً، به تنگی از اشکال خواهد بود.

دهها صد ها میلیارد دلار سرمایه در آمده
و در زیر نقل این ابرغولها، آزادی
"مرد کوچک" به هیچ وجه بدل گردید.
این آن چیزی است که در لندن و
واشنگتن جریان دارد، وای بر قاره های
که "جهان سوم" را به وجود می آورند،
یعنی نقاطی که ذخیره تاریخی آزادی
در آن، در اثر عقب ماندگی فنی،
فرهنگی و نظام اجتماعی تاخیر است
و آن تاخیر هم به صورت آزادی عمل
اربابان استعماری، سلاطین و شیوخ و
سرمایه داران وابسته مالکان بزرگ در
می آید و برای اکثریت مطلق، بردگی
محض باقی می ماند.

واژه آزادی پس شیرین است.
تعارف آزادی های فردی بسیار جذاب است.
به همین جهت سرمایه داری آزادی -
کش جهان تحت سیطره خود را
"جهان آزاد" نام می نهد و همه جا
خود را مدافع آزادیها معرفی می کند و
"جهاد" ضد کمونیستی خود را مبارزه
در راه آزادی جلوه گر می سازد!

زهی سالیسی و فریب!
ما بر آنیم که بسط روز افزون
آزادیها، در مسیر تاریخ است و شرط
مقدم و محمل ضرورت آن، رهائی طبقاتی
و رهائی ملی از ستم و بهره کشی
فئودالها و سرمایه داران بزرگ و استعمار
و نو استعمار امپریالیسم است. تنها
تأمین این شرایط، محیط واقعی بسط
روز افزون آزادی های فردی را فراهم
می آورد. ما هواداران آتشین این
آزادیها هستیم، ولی اختلاف نظر
صریح ما با لیبرالها در نکات زیرین
است:

الف) لیبرالها مسئله رهائی -
طبقاتی و ملی، آزادی از بهره کشی و
ستم استعمار را سکوت می گذارند و
آزادی های فردی را تجرید و مطلق
می کنند و مدافعان آزادی اجتماعی را تا
حد تها بران و دار مجازات می کنند.
این "لیبرالیسم" آقایان است!
ب) لیبرال های وطنی ما، با
قبول راه رشد سرمایه داری، با قبول
ضرورت همکاری با امپریالیسم، عملاً

در جامعه مبتنی بر طبقات متضاد
غارتگر و غارت شده، ناچار طبقه
مستاری وجود دارد که جامعه را به شیوه
"خاصه حزبی" (پارتی کولاریسم) به
سود خود اداره می کند و در اثر همین
اقتصاد سود ورزانه و امتیاز گرا پایه
قشرهای مالک و سرمایه دار، از مدیريت
آگاهانه و نقشه مند جامعه جلوگیری
می کند، لذا سر خود بخودی را بر -
جامه مسلط می سازد. به همین سبب،
علی رغم رشد فنی و فرهنگ، جامعه قادر
نیست بر دامنه آزادی های اجتماعی
خود بیافزاید و آزادی بالایش با وسیله
تحدید آزادی فرودستان، تا حدی مال
خشن آن می شود. آزادی اقلیت فوقانی
(که از مالکیت و وسایل امکانات بر -
خوردارند) به جبر کار کردن و سرکوب
بی خبری از آینده خود برای اکثریت
زحمتکش مندل می گردد. به همین جهت
است که مطلق کردن لیبرال ما بانه -
آزادی فردی در درون چهار دیوار زندان
مالکیت خصوصی فئودالها و سرمایه -
داران بزرگ، در چهار دیوار زندان
استعمار و استعمار، یا واهی است بزرگ
و دروغی است بی شرمانه.

آزادی فردی در شرایط فقدان
آزادی اجتماعی، به خود سری افراد
طبقه ماکه و دولت مند تبدیل می شود.
خود سری اقلیت و امارت اکثریت، شمره
آزادی فردی در جوامعی که در آن
آزادی های اجتماعی تأمین نشده است.
طبقات حاکمه استعمارگر "ذخیره آزادی"
تاریخاً ممکن اجتماعی را در اختیار خود
قرار می دهند و رفتار طبقات دیگر را
تابع قید و بند "تقررات و قوانین"
مطلوب خود می سازند و با ایجاد "سلسله
مراتب امتیاز سهمی از این ذخیره را
به جاگران خاص می دهند و اکثریت
جامعه را عملاً در بردگی "قانونی" نگاه
می دارند.

در سراسر تاریخ، بشریت کوشیده
است که خود را از قید این سلسله مراتب
طبقاتی، از قید این اسارت، که به صورت
تقررات و قانون در آمده است، نجات
دهد. بورژوازی مطلب را ابتدا و اصلاً
حل نکرد و نمی کند، بلکه سلسله مراتب
و مقررات خاص خود را به وجود می آورد،
برای آنکه "ذخیره روز افزون آزادی"
را به خود مخصوص سازد و به خدمت و
حشم طبقاتی خود سهمی بدهد و بردگی
قانونی را گاه با ظرافت بیشتر (و گاه
هم کاملاً خشن) حفظ کند. شعار "آزادی
برابری، برادری" بورژوازی، شعار
"حقوق طبیعی انسان" و همه منشورها
و اعلامیه های عوام فریبانه، به ظاهر
آزادی پرستانه لیدر های سیاسی
بورژوازی، جز لفاظی نیست. به قول
آزاگون، شاعر بزرگ فرانسوی، این بردای
سالیسانه سخن پوری است که بر روی
لاشعهای خونی تپکاری های خود
می افکنند.

تکوریسین های لیبرالیسم (آزادی -
گرای) بورژوازی، یعنی تها بر و
سفارت میل مدعی بودند که باید
عرصه عمل دولت به حد اعلام محدود
شود و افراد مالکیت خصوصی خود را
آزادانه در اختیار داشته باشند، تها
یک مقصد "مقول" خود را دنبال کند
و بدینسان آزادی فردی همه افراد
جامه بشکند. این لابل زبانی آقایان
در قرن نوزدهم بود. عملاً کار به حد
اعلای محدودیت عرصه عمل دولت
نکشید، بلکه محدود اعلامی سیطره دولت
و پلیس و ارتش و دیپلماسی و رسانه ها
کشید. مالکیت خصوصی به صورت هشت -
پای مهیب شرکت های چند ملیتی با

جبریک سوبه و یک علامه نیست، لذا
آزادی عمل این نیروها، یعنی فقدان
جبر، فقدان علیت نیست. بعلاوه
انسان های مختلف، در تاثیر یک علت
واحد در جامعه واحد، می توانند
گوناگون بیانندیشند، زیرا هم شناخت
آن ها مختلف است و هم هدفی را که در
برابر می نهند، یکسان نیست، و در -
نتیجه می توانند مختلف عمل کنند،
البته آنجا که عمل آن ها در چارچوب
گرایشها و مقدرات مستتر در جامعه
موجود، امکان تحقق داشته باشد. لذا
آزادی هرگز مجرد مطلق نیست، بلکه
همیشه مشخص و نسبی است. لذا انسان
می تواند آزادی بیش یا کم داشته باشد.
آزادی برخوردار یا از آزادی محروم
باشد، بسته به آنکه درجه شناخت
و امکانی چیست، بسته به آنکه چه
هدفی را در برابر می نهد و تصمیم -
گیری و رجحان گذاری او بر چه پایه
واقعی صورت می پذیرد.

در متن ضرورت و جبر آزادی
نشان است، زیرا هدف گذاری و عمل
آزادانه، نسل های گذشته و ضمنی را
برای اکنون پدید آورده، که برای
مردم اکنون یک حالت جبری و ضروری
است. در متن آزادی، جبر و ضرورت
نشان است، زیرا عمل ما تابع قوانین
عینی مستقل از ما است. لذا دو قطب
متضاد جبر و آزادی در نوعی وحدت
و نفوذ ضدین به سر می برند و وجود
یکی، نافی وجود دیگری نیست. در
کلام شیعه نیز جبر و تقویض به شکل
مطلق آن رد می شود و سخن از "الامر
بین الامرین" در میان است، که با
نتیجه گیری علمی مارکسیستی شایسته
می باشد.

مارکس مانند ارسطو، کمناطق -
بودن را شاخص نوعی انسان می -
شمرد. بر آنست که فعالیت آزادانه
آگاهانه، علامت نوعی انسان است
که او را از جهان جانوران متمایز
می سازد. آزادی انسان در هر دوران
مبتنی، خود محصول ضرورت و جبری
دوران تاریخی است. پیشرفت
تاریخی انسان جز حرکت در "جامه"
آزادی نیست. انسان در آغاز مانند
جانوران در قید جبر طبیعی مقید
بود و آزادی انتخاب عمل و هدف
و وسیله نداشت. هر گام انسان به
جلو، گامی است در جهت آزادتر
شدن، تا زمانی که به دوران مجبوریت
انسان خاتمه داده شود و آدمی از
گستره تسلط جبر، پای در گستره تسلط
اختیار و آزادی بگذارد.
میزان آزادی در هر جامعه به سه
عامل: الف) رشد نیروهای مولده،
ب) سطح معرفت علمی و فرهنگی جامعه،
ج) نوع نظام سیاسی و اجتماعی آن
جامه، بستگی دارد.

آزادی فردی پیوسته جزئی است
از آزادی اجتماعی در کلش. لنین
می گفت:
"نمی توان در جامعه زبست، ولی
از جامعه خود را آزاد تلقی کرد."
این سخن لنین در واقع پاسخ به
لیبرالها و آثارشیت هاست، که
آزادی فردی را مطلق می کنند و برای
آنها آزادی اجتماعی مطرح نیست.
لنین با این سخن تقدم آزادی های
اجتماعی را بر آزادی های فردی یادآور
می شود و می گوید که فرد تنها زمانی
می تواند به آزادی واقعی دست
بیاورد که جامعه را از قید بردگی، استعمار و
استعمار رها کند، و الا آزادی فردی
سخن و پندار بوجی است.

در مطبوعات حزب ما این نکته بارها
مطرح شده است. سخن ناگفته ای در این
میان نمانده است. ولی چون دعوی و
شبهت تکرار می شود، ناچار پاسخ علمی
بدان نیز باید تکرار گردد.

آزادی چیست؟ حدود آن کدام
است؟ می گوئیم تا آن را با استدلالات
علمی روشن سازیم:
تعریف علمی آزادی چنین است:
آزادی جبر شناخته شده است. عمل
انسان است بر طبق این شناخت، بر طبق
امکانات خود، توانایی انسان است
برای انتخاب کردن.
با آنکه مارکس وانگلس حرکت تاریخ
طبیعت و تاریخ انسان را دارای قوانین
درونی می دانستند، ولی بر آن بودند
که:

اولاً این قوانین را انسان می تواند
بشناسد و موافق آن عمل کند و با استفاده
از آن ها، بر دامنه آزادی خود بیافزاید
و آن قوانین را به خدمت خود بگمارد؛
ثانیاً آنچه که بسیار مهم است،
اعتقاد مارکس وانگلس به وجود قوانین
در اجتماع، ابتدا یعنی تقدیر آمیز بودن
و محتوم بودن بی بر برگرد مسیرونده ها
و حوادث نیست. آنان عقیده داشتند
که در این مسیر تصادفها نقش دارند و
خود این مسیر، تضادها و تعارضها بوالعجب را
طی می کند، در آن حرکت قهقرایی و
در جازدن ها و وجهش های همیشه و به
عقب گمراه است. آن ها عقیده داشتند
که در هر لحظه عین، بیش از یک امکان
واقعی وجود دارد و زهدان حوادث
و رفتار از انواع گرایشها است، که
می توانند زاده و پرورده شوند. آن ها
هرگز نگفتند که برای انسان تنها آزادی
انتخاب یک "سخنه" بدل واحد از
ضرورت باقی می ماند و گویا وی ناچار
است تها در این چارچوب منحصر بفرود
عمل کند و باید داوطلبانه به این حکم
قضا و قدر تسلیم شود! نه، درک آن ها
از ضرورت و قانونمندی روند اجتماعی
هرگز چنین، درک تقدیر گراییانه
(فاتالیستی) نبوده و نمیتوانست باشد.
جریان از چه قرار است؟ انسان در
عمل (پراتیک) روزمره خود با الهه
تجریدی "قوانین جبری زور بویست"،
بلکه با جسم مشخص و تاریخی آن
برخورد میکند، که عبارتست از مناسبات
واقعی موجود اقتصادی، سیاسی و
اجتماعی و غیره، که در درون آن هدف
گذاری می کند و نیز امکانات عینی وجود
دارد که به کمک آن امکانات می تواند
بمابین هدفها دسترسی یابد. انسان
در انتخاب شرایط عینی فعالیت حیاتی
خود آزاد نیست، ولی در انتخاب هدف
و وسایل نیل به آن هدف از آزادی
معینی برخوردار است، زیرا در هر لحظه
همین بیش از یک امکان وجود دارد و
این امکانات دارای درجه احتمالاتی
مختلف است. انسان ها قادرند با
عمل خود روند های مطلوب را تحریک
کنند و یا در سیطره روند های نامطلوب
بکوشند. لذا آزادی یک آزادی مطلق
نیست، بلکه نسبی است و بصورت امکان
انتخاب نقشه عمل در برابر انسان مطرح
می گردد. هر قدر انسان بر قوانین
طبیعت و اجتماع آگاه تر باشد، هر قدر
انسان بتواند وسایل نیل به هدف را
بهتر فراهم کند، بر میزان آزادی او
افزوده می شود. انگلس در "آنتی -
دورینگ" می نویسد که آزادی افراد،
جمع ها، طبقات و جامعه در یک استقلال
موهوم از قوانین نیست، بلکه در توانایی
انتخاب و اخذ تصمیم از روی وقوف بر
مسئله و شناخت آنست.

از آنجا که نیروهای روحی ما دارای



رفتگران: سحر خیزان ناکام

«می خواهیم همه نیروهای انقلابی متحد شوند و علیه شیطان بزرگ امریکا مبارزه کنند»



از قدیم گفته اند: "سحر خیز باش تا کامروا باشی!" اما همه سحر خیزان کامروا نیستند و رفتگران بخشی از این سحر خیزان تلخ کامند. صبح، وقتی که سحر خا موش و خواب الوداست، زحمتکشانی آرام و بی نام، که کارشان زدودن آلودگی - هاست، شهر را برای زندگی روزانه میلیونها نفر آماده میکنند.

روز میاید، چرخ زندگی بکار می افتد، ضایعات و کثافات سطح شهر را میگردانند و این رفتگران هستند که فردا، قبل از بیکاه، مثل دیروز چهره شهر را تمیز میکنند. و این در حالی است که خود مصونیت ندارند، سلامت آنان در خطر است و اغلب دچار بیماریهای تنفسی و پوستی میشوند. بارها پیش آمده است که در تاریک روستیهای صبح، راننده - ای بی خیال، با یکی از آنان تصادف کرده، جاننش را گرفته و یا به خطر انداخته و فرار کرده است. بهتر است مشکلات آنان را از زبان خودشان بشنویم:

حق اولاد، مسکن، سرویس و لباس کار!

عادل جلالی ۲۷ ساله میگوید: "۱۰ سال است رفتگری میکنم. هر روز ۱۰ ساعت از ۴ صبح تا ۲ بعد از ظهر، حقوق نزدیک ۲۵۰۰ تومان است، که از پارسال بیشتر شده، ولی بسا داشتن زن و بچه و پرداخت کرایه خانه، این پول کفاف زندگیم را نمیدهد و از این بابت خیلی در غمناکم".

عادل همچنین اضافه میکند: "کار ما رفتگران همیشه یکسان است. ترغیب نمیکریم و محیط کارمان آلوده است. همین دو ماه پیش سه هفته مریض شدم، که حقوق ایام بیکاری ام پرداخت نشد. ما میخواهیم که از حق اولاد، مسکن، سرویس و لباس کار بر - خوردار شویم و گرانی و تورم از بین برود".

مرتضی سیدزاده، رفتگر دیگری، که در میان گرد و خاک فراوان مشغول کار است، میگوید: "روزی ۹ ساعت کار میکنم، از ۵ صبح تا ۲ بعد از ظهر. هفتهای یکبار هم اجباراً بیکاری میدهم. حقوقم ۲۴۰۰ تومان بود. از پارسال ۹۰۰ تومان به

خاک در چشمها می نشیند و ریهها در معرض انواع گرد و غبارند! آنها برای ملامتی مردم کار می کنند، دولت مردمی باید سلامت آنان را تضمین کند.

آن اضافه شده، با این حال این حقوق کفاف زندگی ام را با ۲ تا بچه نمیدهد. اگر حقوق زیاد بود، این لباسهای کهنه را نمی پوشیدم".

بخشی از رفتگران میهن ماساچران روستایی هستند که در نتیجه، سیاست وابسته گردن کشاورزی رژیم گذشته و رکود این رشته، به شهر آمده اند. مرتضی سیدزاده میگوید:

موقع کار خون استفرغ کردم!

"من قبلاً در یکی از روستاهای اطراف همدان کشاورزی میکردم و لسی چند سال پیش که بیکار شدم، بالاچار به شهر آمدم، تا آنکه زن و بچه ام را، به کارگری که شده، سپردم. کار من مثل همه رفتگران جا رو زدن خرابیها، جمع آوری آشغال و تمیز کردن جویهاست. کار کشیفی است و من تا بحال چند بار

همه نیروهاست که خامن پیروزی بر امیرالایم است. به سراغ اسلام زاهدی، کارگر ۵۴ ساله شهرداری میرویم. ساعت کار طولانی، عدم تکافوی حقوق و بی بهره بودن از امکانات اجتماعی، از مسائل اساسی است و میگوید: "از ۴ صبح تا ۲ بعد از ظهر کار میکنم و هفتهای یکروز هم بیکار می کشم که شهرداری اسم آن را پاکسازی گذاشته و ما به این کار راضی نیستیم. اما چون شهرداری میگوید، بالاچار راضی میشویم. من ۱۹ ساله و ۱۹ سال سابقه کار دارم. ماهی ۲۵۰۰ تومان میگیرم. پیش از انقلاب حقوقم ۱۵۰۰ تومان بود".

سندیکای واقعی

رفتگران خواهان سندیکای واقعی، که از حقوق آنان دفاع کند، هستند. در این مورد اسلام زاهدی میگوید: "دیگر نباید سندیکاهای مثل دوران طاغوت باشد. ما سندیکاهایی میخواهیم که به خواست ما همان رسیدگی کند و برای ما جلسات آموزشی بگذارد. بیمه ما باید مثل کارمندان باشد تا بتوانیم به دکترهای بیمه اجتماعی مراجعه کنیم. ما لباس کار و سرویس رفت و آمد میخواهیم".

رفتگران نیز مانند دیگر زحمتکشان خواستها و کمبودهایی دارند. آنان خواستار حق اولاد، حق مسکن، سرویس ایاب و ذهاب، کاهش تورم و گرانی، رسیدگی به حقوق صنفی و بیمه مطمئن در مقابل بیمه ریهها و خطرات ناشی از کار هستند.

میزان توقع آنان تنها در سطح خواستهای اقتصادی و رفاهی نیست، بلکه آنان همچنین مبارزه متحد و یکپارچه نیروهای انقلابی علیه شیطان بزرگ امریکا را طلب میکنند.

همه نیروهای انقلابی متحد شوند!

مرتضی فقط به فکر تمیز کردن شهر نیست. او در اندیشه پاکسازی کشور از ضد انقلاب و عوامل امیرالایم نیز هست و شرط این پاکسازی را اتحاد نیروها میدانند. در این مورد میگوید: "میخواهم همه نیروهای انقلابی متحد شوند و علیه شیطان بزرگ - امریکا مبارزه کنند".

زحمتکشان ما با شرکت فعال خود در انقلاب ثابت کرده اند که قادر به مقابله با توطئه های امیرالایم و وابستگانش هستند. آنها بی بردمانند که تنها اتحاد

قبل از انقلاب، در این کارخانه تعداد سه هزار و سیصد کارگر کار می کردند. که پس از پیروزی انقلاب، با پاکسازی عده ای و بازنشسته شدن عده ای دیگر، در حال حاضر حدود سه هزار نفر کارگر در آن سرگرم کارند.

در این کارخانه علاوه بر ساختن اطاق، قسمتهای دیگر اتومبیل - که جنبه فزعی دارند - ساخته میشود. مواد خام این کارخانه عموماً از خارج تأمین میشود. ولی پس از تحریم اقتصادی ایران از جانب کشورهای امیرالایستی، صدور مواد خام به ایران قطع شد. در حال حاضر کارخانه با کمبود مواد خام روبروست، بطوریکه تولید کارخانه از حدود روزانه چهل دستگاه به پانزده تا هفده دستگاه رسیده است. حتی گاهی اوقات این رقم به سه یا چهار دستگاه در روز کاهش می یابد. کارخانه جیب سازی قبل از انقلاب متعلق به جعفر اخوان بود، که از زمان پیروزی انقلاب در اختیار دولت قرار گرفته است. در حال حاضر کارخانه بعلت پائین بودن سطح تولید آن ضرر میدهد و کسری حقوق کارگران و کارمندان بوسیله دولت تأمین می شود.

این کارخانه دارای یک شورای دوازده نفری است که نمایندگان کارمندان و کارگران و همچنین نمایندگان کارفرمایان در آن عضویت دارند. ناگفته نماند که کارخانه فاقد سندیکا است.

قرار است در آینده نزدیک - پس از اتمام مواد خام - در این کارخانه یک نوع جیب ساخت کشور رومانی ساخته شود. با این ترتیب، کارخانه جیب سازی نه تنها در آینده با کمبود مواد خام مواجه نخواهد شد، بلکه با بالا بردن سطح تولید خود می تواند یاری دهنده اقتصاد ناتوان میهن ما باشد.

آیندهای روشن در انتظار کارخانه جیب سازی

اخراجی ها که از جنبه برگشته است گفتگو اخراج شده ای، او گفت: "اخراج مهم نیست، برای من از همکاران تقاضای بخشش کن".

در این هنگام کارگران متأثر شدند و با دادن شعارهایی خواستار لغو احکام اخراجی ها شدند. بدنیال جلسه کارخانه به حال نیمه تعطیل درآمد و بررسی در مورد اخراجی ها به دادستان انقلاب اسلامی محول شد.

کارگران، که شرایط حساس کنونی را بخوبی دریافته اند، از روز چهارشنبه ۲۱ آبان ۵۹ دوباره به سر کارهای خود بازگشتند. در همین حال آنها مصرا خواستار رسیدگی به پرونده افراد اخراجی هستند. آنان اظهار می دارند: "چنانچه مشخص شود که این افراد مستحق اخراجند ما خود از ورود آنان به کارخانه جلوگیری خواهیم کرد".

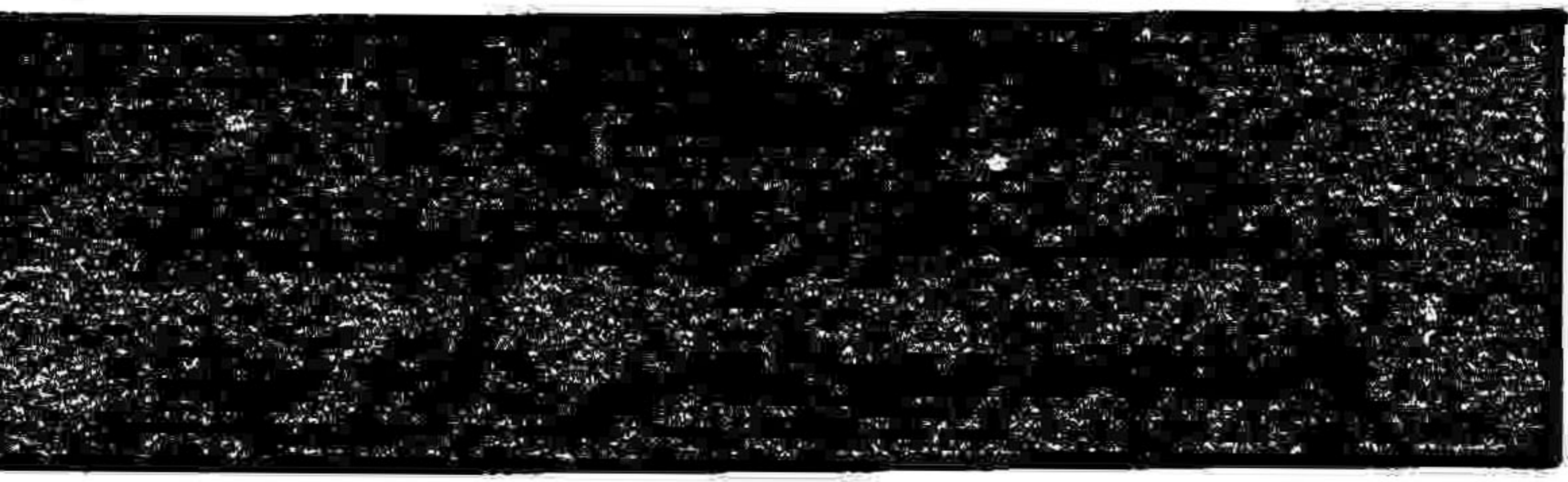
کارگران آلومینیوم سازی اراک تاکنون در جبهه جنگ سه شهید داده اند

اعتراض کارکنان آلومینیوم سازی به اخراج همکارانشان

لیست اخراجی ها درج شده است. هم اکنون در جبهه جنگ در حال نبرد بسر می برند!

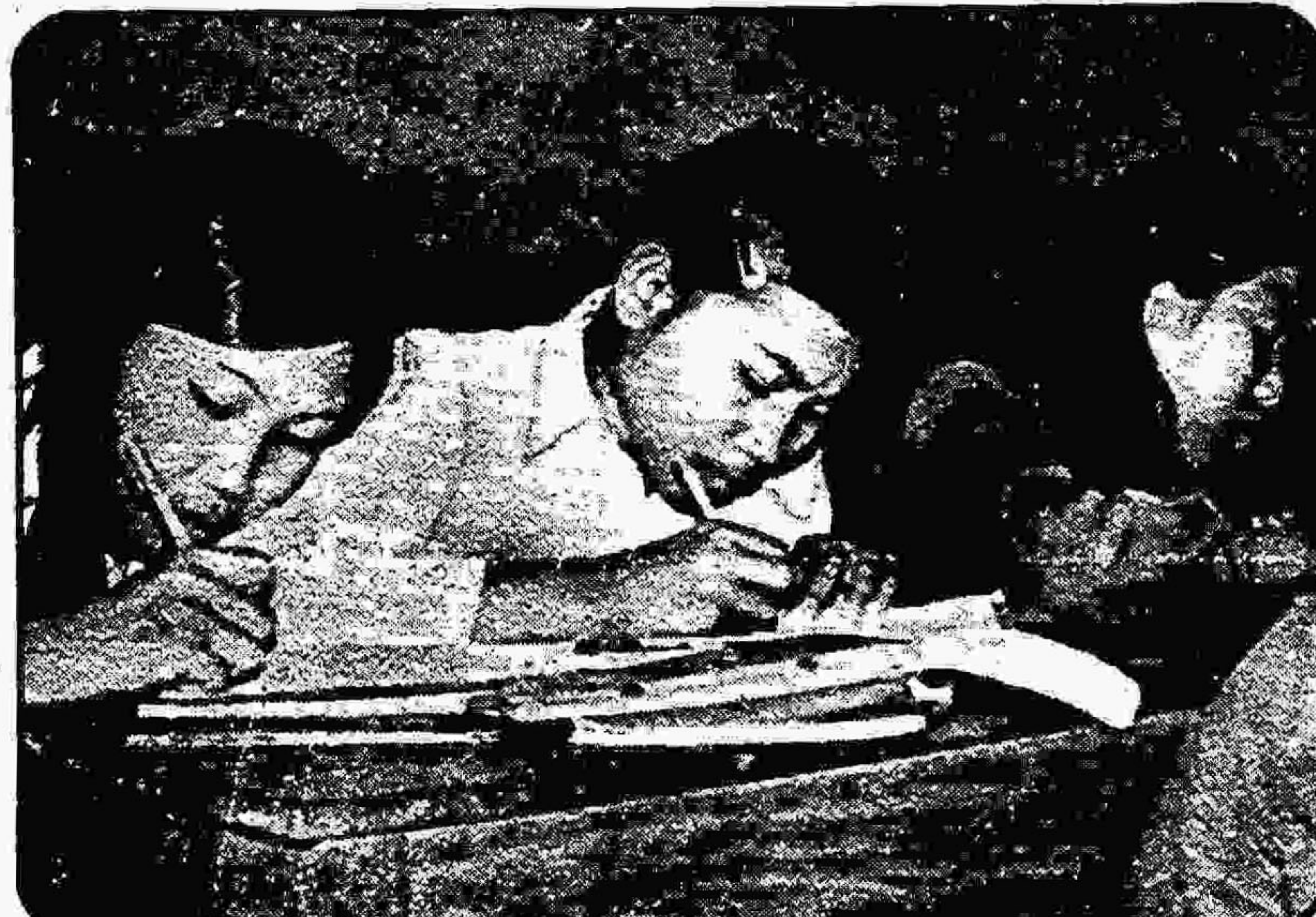
بدنیال این اخراج ها، کارگران از مدیریت کارخانه تقاضای تشکیل جلسه و جوابگویی در برابر این اقدامات را کردند. در این جلسه مدیر عامل گفت: آنان می بایست تصفیه می شدند. حال کسانی که با این کار موافقت، در این سمت و بقیه درست دیگر بایستند. بدین ترتیب مدیر عامل باعث نفاق - افکنی در بین کارگران شده است. در این جلسه یکی از کارگران اظهار داشت: "من به بیکاری

کارخانه آلومینیوم سازی اراک (ایرالکو) در کیلومتر چهار جاده اراک - تهران قرار دارد. این کارخانه در زمان گسترش به سازمان گسترش و نوسازی ایران وابسته است. در این کارخانه تعداد هزار و سیصد نفر کارگر و کارمند کار می کنند. محصول کارخانه در حال حاضر حدود ۳۰ تا ۴۰ تن شمش آلومینیوم است. در حالیکه در زمان طاغوت تولید آن حدود صد و چهل تن بوده است. علت کاهش تولید کمبود برق و قطعات یدکی است. چون در حال حاضر فقط تعداد هفتاد دیگ از مجموع دویست و هفتاد دیگ ذوب آلومینیوم در حال بهره برداری است. تاکنون چندین گروه از کارگران این کارخانه از طریق بسیج مستضعفان به جبهه های جنگ اعزام شده اند. آنها تاکنون سه شهید تقدیم انقلاب کرده اند.



پیشرفتهای آموزش و فرهنگ در کامپوچیا

دوران حکومت دیکتاتوری پهل پوت در کامپوچیا یکی از تاریکترین دوران جهل در آن کشور بود. پهل پوت و دارودسته جهالت پرور پهل پوت تقریباً همه معلمان کامپوچیا را سر به نیست کردند. از اینرو حکومت کنونی کامپوچیا، پس از سرنگونی رژیم خونخوار پهل پوت، یازده سال از آموزش و فرهنگ را بعنوان یکی از نخستین و مهمترین وظایف خود



بازماندهای کامپوچیا از یوغ اسارت دارودسته خونخوار و جهل پرور پهل پوت کودکان کامپوچیا امکان دسترسی به آموزش رایگان یافته اند.

اعلام داشت پیشبردار این هدف در آغاز با دشواریهای فراوانی همراه بود. کامپوچیا نه تنها معلم کافی نداشته بلکه همچنین از نظر کلاس و وسایل تدریس در مضیقه بود. چه بسا که کلاسها در مورد طبیعت، در باد و باران، تشکیل میشد و اتحاد شوروی ویتنام و دیگر کشورهای سوسیالیستی کتاب، دفتر و مواد در اختیار

در جهان سوسیالیسم

با «جبهه ملی چکها و اسلواکها» آشنا شویم

«جبهه ملی چکها و اسلواکها» بزرگترین سازمان اتحاد سیاسی کارگران، دهقانان، تعاونی و روشنفکران زحمتکش در جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی است. این جبهه همه احزاب و سازمانهای توده ای چکسلواکی را، به رهبری حزب کمونیست چکسلواکی، در بر میگیرد. این سازمانها از طریق «جبهه ملی چکها و اسلواکها» در قدرت حکومتی شرکت میکنند. جبهه تا میرده همچنین شرکت برابر حقوق شهروندان را در زندگی سیاسی و اجتماعی چکسلواکی و در ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته در آن کشور امکان پذیر میسازد. در قانون اساسی چکسلواکی وظایف «جبهه ملی چکها و اسلواکها» تعیین و به اهمیت آن اشاره شده است.

«جبهه ملی» بیست حزب و سازمان، از جمله حزب کمونیست چکسلواکی، حزب سوسیالیست چکسلواکی، حزب خلق چکسلواکی، حزب نوزادین اسلواکیا، حزب آزادی، جنبش انقلابی سندیکا، اتحادیه سوسیالیستی جوانان، اتحادیه زنان و انجمن دهقانان تعاونی را در بر میگیرد. گوستا و هوساک دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی، ریاست «کمیته مرکزی جبهه ملی چکها و اسلواکها» را بر عهده دارد.

در جهان سرمایه داری

بیکاری: مهم ترین مسئله در جمهوری فدرال آلمان

تا مین کار برای شهروندان جمهوری فدرال آلمان کمترین مسئله اجتماعی - سیاسی این کشور است. این تقصیری است که در «هندلزبلات» (دولسدورف) پس از انتشار گزارش نظرخواهی این روزنامه از دو هزار عضو «انجمن پژوهش درباره مصرفه بازاریابان آلمانی» (نورنبرگ) درج گردیده است. پیوسته این نشریه: «چهل و شش درصد پاسخ دهندگان «مبارزه با بیکاری» را مهم ترین وظیفه (دولت) خواندند. این رقم در سال پیش ۴۱ درصد بود».

بیاتیه حزب توده ایران - سازمان بانه:

پاخیزیم و توطئه های ضد انقلاب را خنثی سازیم

حزب توده ایران - سازمان بانه در بیانیه ای، ضمن اشاره به «تشدید حملات ضد انقلابیون - (دارو- دسته قاسملو، کومه له و ...» به شهرها و ستونهای نظامی، پادگانها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به مردم شهرستان بانه هشدار داده است که تحریکات ضد انقلابیون را در زمینه ایجاد هر چه مرج و تشنج در مدارس خنثی سازند. در این بیانیه آمده است:

«خلقهای مبارز ایران در جدیدترین حرکت تاریخی از خود، درستگر استقلال و آزادی، در دفاع از میهن انقلابی و نظام جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی خویش، چون تنی واحد، بولادین و استوار به پای خاسته اند و با فشار خون عزیزترین فرزندان این آب و خاک، میروند تا ششمین توطئه ضد انقلابی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و نوکر سرسپرده اش صدام حسین خائن را در هم شکنند و در سبهای تازه ای از رزم انقلابی و حماسه اتحاد در راه خنثی نمودن و نابودی توطئه های بعدی ضد انقلاب جهانی بیاورند.

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی شیطان بزرگ آمریکا، از همان ابتدای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، شکست و براندازی این نظام را به شیوه های گوناگون، از جمله نفوذ عوامل خود (امپراتور نظام ها، نژبها ...» در دولت موقت، بهره برداری از سیاست های سازشکارانه امپرالها و اعمال ماجراجویانه گروهکهای چپ نما، محاصره و شانتاژ اقتصادی و نظامی

طرح کودتاها و توطئه های ضد انقلابی طیس، توزه و سرانجام تجاوز نظامی صدام را هدف مقاصد امپریالیستی خود قرار داده است. نفوذ عناصر ساواکی، افسران شاهنشاهی، گروهکهای چپ نما و مائوئیستهای ورشکسته در جنبش خلق طلبانه خلق کرد، به منظور به بیراهه کشیدن این جنبش و قرار دادن خلق کرد در برابر جمهوری اسلامی ایران و گسستن پیوندهای دیرینه انقلابی خلقهای ایران، نی شک بخشی از همین توطئه های امپریالیستی بشمار میآید. تشدید حملات ضد انقلابیون (دارو دسته قاسملو، کومه له ...» به شهرها، ستونهای نظامی، پادگانها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ایجاد هر چه مرج و غارت کامیون های حامل مواد خوراکی، همزمان با تجاوز آمریکا، صدام میهن انقلابیمان را رخنه ضد انقلاب داخلی و حملات مودیانه لیبیالها به نهادهای انقلابی و روحانیت مبارز پیرو خط امام و دیگر نیروهای مترقی، تنها و تنها میتواند دست بخت جدید امپریالیستی باشد. ما به مردم شهرمان هشدار میدهم که زمزمه های جدوا از ضد انقلابیون، که ما مورند و معذور و تشنج کشاندن مدارس، شایعه - سازیه و تحریکات آنان را یک امر جدی تلقی کنند و قاطعانه آن را خنثی نمایند. هر تفنگی که بسوی مردم و نیروهای مسلح مداخله جمهوری اسلامی ما شلیک شود، به فرمان آمریکا، بنفع آمریکا و در خط آمریکا است. ما از نیروهای مسئول و انقلابی میخواهیم که در این لحظه بسیار حساس، وظیفه سنگین بسیج توده های مردم علیه توطئه های رنگارنگ ضد انقلابیون را بر عهده بگیرند. ما همچنین

از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران انتظار داریم که با اتکاء به بیام تاریخی امام خمینی، مورخ ۲۶ آبانماه ۱۳۵۸ درباره کردستان، که میگویند: «سلام برخواهران و برادران کرد، که با وفاداری خود به اسلام و جمهوری اسلامی از توطئه خائنین به کشور جلوگیری کردند. گزارشات هیات ویژه هما تظور بود که متوقع از برادران و خواهران کرد بودیم، که هرگز خود را از اسلام و ایران جدا نمی دانند و آنچه بدخواهان به آنان نسبت میدهند، چیزی جز فساد و توطئه گری نیست...» و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی واقع هر گونه تبخیر فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است. منجمله برادران کرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تامین آن در اسرع وقت میباشد...» زمینه سیاسی رشد ضد - انقلاب را از زمین ببردند. آن سد کاذب را، که ضد - انقلاب بین خلق کرد و جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است و در پی حفظ و نگهداری آن است که در جهت تضعیف انقلاب از آن بهره جوشی کنند، درهم شکنند. زیرا اتحاد اصولی و برادرانه خلق های میهن ما بر پایه سرنوشت و آینده مشترک و دشمن مشترک، ضمانت پیروزی انقلاب و حفظ دستاوردهای آن است. مرگ برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!

مرگ بورژوازم سرسپرده و خائن صدام و مرتجعین منطقه!

برقرار بده جبهه متحد خلق شهروندانترین اهرم شکوفایی انقلاب!

حزب توده ایران - سازمان بانه

نمایشگاه آشنائی با جنبش فلسطین در شهرستان مشهد



از طرف اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهرستان مشهد، نمایشگاهی به مناسبت ۸ آذر (هفته همبستگی فلسطین) برپا شد. این نمایشگاه، که شامل طرح، عکس و پوسترهایی از زمانهای الفتح، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و جبهه خلق برای آزادی فلسطین بود، در مدرسه روز پریایی خود، با استقبال پر شور مردم و پرسو شد.

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

دشمنان انقلاب از جو اختلاف سوء استفاده می کنند

• اگر به وضع آوارگان جنگ رسیدگی نکنیم، عواقب سیاسی و اجتماعی نامناسبی به دنبال خواهد داشت.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست جنت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، محمدعلی رجایی نخست‌وزیر، علل تأخیر در انتصاب چند وزیر کابینه را تشریح کرد.

در آغاز این جلسه، سلیم‌محمد کاظمی دانشی، به‌عنوان اولین نامزد پیش از دستور، سخن گفت. وی ضمن ایراد نگرانی از جو اختلاف موجود در کشور، اظهار داشت: «مستولین امور میدانند و باید هم بدانند که ملت ستمدیده و رنج‌کشیده و پیاخته ایران از این جو اختلاف نگرانند و جدا خواستارند که این جو را به جوی از محبت، برادری، اتحاد، از همکاری از همکاری مبدل سازند. مستولین محترم امر خوب می‌دانند که دشمن از این جو چه سوء استفاده‌های تبلیغاتی می‌کند».

وی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: «اگر دولت اینک ما یکباره خودمان مشغول باشیم - دشمن گامی به جلو نیاورد و یک توبی بر شهری از شهرهای مایندارد و ما به علت مسائل شخصی خودمان و اختلافاتمان نتوانستیم به فرصت‌تکلیف که جلوی این تجاوز را بگیریم، در گناه شریک صدام هستیم».

رسیدگی به وضع آوارگان جنگ

دومین سخنران پیش از دستور جلسه دیروز شکرالله زینعلی بود که در ارتباط با جنگ و مواضع آن سخن گفت. وی ضمن بررسی جنبه‌های مثبت و منفی جنگ، به وضع آوارگان جنگ اشاره کرد و گفت:

«اگر به این موضوع رسیدگی نکنیم، عواقب سیاسی و اجتماعی نامناسبی به دنبال خواهد داشت. باید با همان قدرت که به رزمندگان می‌رسد، به آوارگان نیز رسیدگی کنیم. وی سپس افزود: «حدود یک میلیون نفر آواره جنگی در خوزستان داریم که از این تعداد ۹۰۰ هزار نفر در شهرهای خوزستان ساکن هستند. در حال حاضر ۱۴۰ هزار نفر در بیابان و آبخیزهای زندگی می‌کنند. جمعیت خودبیماران حدود ۱۰۰ هزار نفر است و آبخیزهای ۴۰ هزار جمعیت دارند. در صورتی که ۴۰ هزار نفر از آوارگان به این شهرها آمده‌اند یعنی جمعیت این شهر به بیش از دو برابر رسیده است. تمام مدارس بیابان و آبخیزها تعطیل هستند و اگر هرچیز در یک علاج اساسی نتواند فراهم شود، عواقب دیرینه».

سومین سخنران جلسه دیروز موسوی تبریزی بود که در مورد نامه ۶۷ نفر از نمایندگان در مورد اوضاع مطالب‌جست‌های سری مجلس در روزنامه «انقلاب اسلامی» و نحوه انعکاس این

مسلمان و متحد و آشنا به مسائل. ایشان گفتند من این را قبول دارم، ولی خوب است چیزی را که مورد اختلاف است، حالا مطرح نکنید. من مجدداً دلائلم را گفتم. در مورد وزیران دارایی و بازرگانی هم توضیح دادم».

نخست‌وزیر سپس ضمن تشریح جریان گفتگوی خود با آیت‌الله موسوی اردبیلی و آزادی که مشترکاً روی آنها توافق شده بود، گفت:

«بعد از آن آیت‌الله موسوی اردبیلی نزد رئیس‌جمهور رفتم. جلسه‌ای سه ساعته بود. رئیس‌جمهور به من اول و به من دوم و به من سوم را، که به پیشنهاد آقای موسوی اردبیلی و موافقت من در آنجا عنوان شده قبول نکردند. نخست‌وزیر سپس خواستار تشکیل یک جلسه غیرعلنی با شرکت رئیس‌جمهور برای توضیح در مورد علت نپذیرفتن اشخاص پیشنهادی گردید».

ویسازو پایان توضیحات نخست‌وزیر، حسن آیت‌الله سخنانی از نخست‌وزیر خواست که افرادی را که معرفی کرده است، در مجلس نام ببرد. وی سپس افزود:

«چون نخست‌وزیر ۲۴ نوبت نام پیشنهادی را ناکافی می‌داند و سؤال باید به کمیسیون سؤال‌ها برود و مجلس تحقیق کند که بالاخره چه کسی قصور کرده است، زیرا در کنونی یا شرایط کشور به هیچ‌جا نمی‌تواند رسید».

آیت‌الله سلیم‌محمد خاتمی نیز جواب نخست‌وزیر را ناکافی خواند و تأکید کرد که بدون حضور طرفین قضیه روشن نمی‌شود».

آنگاه طرح دوفوریش مربوط به وضع جنگ‌زدگان و تمدن مراکز درمانی توسط رئیس‌دیوان قرائت شد. در این طرح خواسته شده است که هیاتی مرکب از نمایندگان اصنام مجلس، هلال‌احمر، بنیاد مستضعفین و کمیته امداد بر امر کمک‌رسانی نظارت کند. درباره این طرح چند موافق و مخالف سخن گفتند و سپس نخست‌وزیر در همین مورد سخن گفت و خواستار نظارت این هیات بر کار دولت در مورد جنگ‌زدگان شد. سپس برای عبور از اصل طرح و ورود به جزئیات آن رای گرفته شد، که به تصویب رسید».

آنگاه لایحه دولت در مورد مسائل مختلف مسلکی، از جمله نحوه بازرغیر و بازتسخت‌کردن کارندان مازاد دولت به مجلس تقدیم شد. در پایان جلسه دیروز، وزیر مسکن، دوزیر و آگاهی ساختمان به زلزله‌زدگان طیس توضیحاتی داد و سپس در این مورد رای‌گیری شد. نتیجه لایحه مربوط به تصویب رسید».

از نظر قانونی موافقت کردند که من نخست‌وزیر باشم و این موضوع بعداً به صورت شفاهی و چه در گزارش که به مردم می‌دهند، بارها یادآوری کردند. گرچه این تشریح یعنی نشان این که رئیس‌جمهور دولت را قبول ندارند برای دولت بسیار سنگین است، ولی هویت را که در پذیرفتن این مسئولیت داشتیم به ما این امکان را داد که این مطالب را بخوانیم و بشنویم و همچنان دنبال انجام مأموریت باشیم. طبیعی بود که با آن اختلاف ابتدایی، من در صورتی موفق به تشکیل کابینه می‌شدم که آن نامه‌ها را که در یک صحبت ارائه کرده، آن نامه جامع‌العمل می‌پوشید و دولت و نخست‌وزیر، غیر از وزیر دفاع و وزیر کشور، در انتخاب بقیه وزراء آزاد می‌بود. آزاد از قید رئیس‌جمهور و نه تصویب مجلس، گذر می‌کرد».

به آن صورت برگزار نشود ما اقدام به همان شکل طبیعی قضیه. در انتخاب و معرفی وزیر بسیار کار شده و شاید بیش از ده نفر برای این سه وزارتخانه‌ها، که هنوز خالی است، معرفی شده باشند. ولی آقای رئیس‌جمهور متفاد که اگر بنا به تصویب است، یعنی اگر قانون اساسی اجازه تصویب به رئیس‌جمهور داده، رئیس‌جمهور می‌تواند و باید کسی را که پیشنهاد کرده، نپذیرد. تنها مشکل فقط وزیر این است که اگر نپذیرد، چه کسی حکم و حاکم باشد، که اگر نپذیرد چه را اگر نپذیرد چه را در این گیرودار روحانیت حاکمیت نمی‌تواند برده بود. در آنجا بعد از مذاکراتی که شد، که اگر اختلافی بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر پیش‌آمد قبل از ارجاع به هیات ۵ نفری در روزنامه‌ها نوشته‌نشود که ما آن را اضافه کردیم. بعد رئیس‌جمهور در آنجا گفت که انتخاب بقیه وزراء را در اختیار امام گذاشته‌ام. من بعد خدمت امام رسیدم و گزارشی‌هایم را توضیح دادم. امام قبل از هر چیز فرمودند که من میل دارم اختلاف بین شما حل شود. امام گفتند که در انتخاب وزراء دخالت نمی‌کنند و از ما خواستند که همان هیات ۵ نفری اختلافات را حل کنند و ایشان آقای موسوی اردبیلی را تصویب کردند. من با آقای موسوی اردبیلی ملاقات کردم و مطلب را توضیح دادم. وزیر امور خارجه شخصی است که آقای موسوی اردبیلی وی را کاملاً می‌شناسد که مردی است

نامه در روزنامه مذکور، سخن گفت. وی از جمله افزود: «ما به الفتی مطالب جلسه غیرعلنی مجلس اعتراض کردیم، ولی روزنامه انقلاب اسلامی یک افترا به ۶۷ نفر از نمایندگان زد و نوشت که توطئه آیت‌بست ۶۷ نفر انجام شده».

موسوی تبریزی سپس ضمن اعتراض به نحوه انعکاس این مطلب علیه روزنامه «انقلاب اسلامی» به عنوان «مفتزی» اعلام جرم کرد و در پایان گفت: «آیا روا است که در یک مملکت، در یک روزنامه به نام انقلاب اسلامی، که واقفاً از اسلام در آن خبری نیست، به مجلس افترا بزنند؟ من از مستولین می‌خواهم که جلوی اینگونه مذبذوبات گرفته شوند».

پس از پایان سخنان پیش از دستور، جنت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، ضمن سخنانی ضمیمه وقایع آیت‌الله العظمی را تألیف گفت و سپس به زلزله اخیر استان مرکز اشاره کرد و از مستولین خواست که به وضع زلزله‌زدگان رسیدگی کنند. رئیس مجلس سپس ابتکار حضرت آیت‌الله منتظری را در مورد اجتماع ائمه جمعه کشور تأیید کرد و تأکید نمود که این یک حرکت انقلابی است».

ملت تأخیر در تکمیل کابینه

آنگاه مجلس وارد دستور شد و لایحه مربوط به ساختمان‌های زلزله‌زدگان در طیس مطرح گردید. در این زمینه شهری، یکی از اعضاء کمیسیون مسکن و شهرسازی، توضیحات لازم را داد و سپس چند موافق و مخالف در این مورد سخن گفتند. در این موقع محمدعلی رجایی نخست‌وزیر به ستوار حسن آیت و آیت‌الله سلیم‌محمد خاتمی مبنی بر اینکه «بچه دلیل تاکنون چندتی از وزراء معرفی نشده‌اند» پاسخ گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«در مورد انتخاب وزراء، که یکی از مسائل مهم مورد اختلاف بین من و رئیس‌جمهور است، در فاصله رای اتدک مجلس تاکنون تلاش نسبتاً زیادی برای جبران بقیه وزراء شده است».

نخست‌وزیر افزود: «همانطور که اطلاع دارید، انتخاب نخست‌وزیر با رضایت کامل رئیس‌جمهور نبوده بلکه ایشان

روابط عمومی سپاه پاسداران سقز:

ملت ماسعی تمام بر نابودی آمریکا دارد

بنیاد تظاهراتی که در ارتباط با بازگشایی مدارس راهنمایی دبیرستانهای شهرستان سقز صورت گرفت، روابط عمومی سپاه پاسداران این شهرستان، تحت عنوان «شازده آرزو، روز دانشجو را گرامی می‌یابیم» اعلام‌های این تظاهرات داد. در این اعلامیه، با تکیه بر اینکه آمریکا دشمن ایران است، از نابودی آمریکا و شکست آن، به عنوان «شازده آرزو» یاد کرده و با فرستادن نامه از جمله آمده است:

«ملت ما سعی تمام بر نابودی آمریکان دارد و درگیر نابودی آن است که از اول پیروزی انقلاب تاکنون دست ستون پیرو آمریکا ایجاد شده است. مسیر مبارزه ما را علیه آمریکا تغییر ندهید و انقلابی چنانکه گفتیم، همچنان در خدمت به آمریکا و نابودی او قدم برمی‌دارد».

در بخش دیگری از این اعلامیه، ضمن تشریح حادثه تأکید شده است که امروز روز علم و دانش است و اسلام با علم موافق است. در پایان اعلامیه سپاه پاسداران سقز، تصریح شده است که سپاه در مقابل خودروختگان آمریکایی ساکت نمی‌نشیند».

منص پیروی و پشتیبانی از خط امام بوده نمی‌توان از گنجهت‌ظلمت‌تبار جدا شد. امروز از انقلاب دفاع کرد و فردا این کشور را از نو ساخت».

حاصل خلقی خط امام خصمی، که وجه مشخصه مبارز و عیقامردمی است، همراه و چندامریالیستی آن، راهگشای افق آینده است. این خصلت، وظیفه هر انقلابی را ستین را در نبرد با استعمار و ظلم، با استکبار و ستم روشن می‌کند و چهره‌های پلیدی را باقی نمی‌گذارد. حجت بر همه کس تمام شده است. مملووزن و بندبازی چه به سبک معاضل لیرال و سازشکار و چه به پیشرو روحانی‌مایان و منافق ارتجاعی، مداخل امام برای بهبودختن منافع مستکبران و مستعمران و دژهم آمیختن مصالح بهره‌کشان و بهره‌دان مقدور و عملی نیست. اگر آشکارا و قاطعانه و بی پروا برگردد طرفدار مستعمران‌پنانه‌تیم و ریشه مملکت‌دارها و سرمایه‌دارها و خانها و قلدرها را ازین برزخ، هر قدر هم زیر نام صداقت و جنت‌گشایی، پنهان کنیم، هر قدر هم که ظاهر فریب باشیم، همان حکومت طاقتور و امانه همان دوران ظلمت را خواهیم داشت. اگر هم کسی مژورانه، زیر لولای اسلام، بخواهد از قلدرها و بزرگ‌مالکان و صاحبان سرمایه و مالکیت نامحدود آنها دفاع کند، اسلام او آمریکائی است، قلدری است، ظلمت‌تاز است. سبکت امام، خرقة او مستوجب آتش!

اسلام راستین، اسلام خصمی، جانب پاره‌نمها و مردم کوچه و بازار و کوشش‌کنان و زانف‌نشینان را می‌کند و طرفدار اسلام این است که مستضعفین را حمایت کند. «باید مردم را نگه‌داریم» دولت باید خدمتگزار ملت باشد».

از انتخاب در این مسئله حیاتی، هیچ‌کس را گزیری نیست. بر سر این دروازه است که مملکت زنده می‌شود و بنیاد انقلابی بودن آشکار می‌گردد. ما مسلمانان و مجادان و بی‌گناه پشیمان این خصلت خلقی خط امام و محتوی فداکاری و چندامریالیستی و ضد بزرگ‌مالکی آن بوده‌ایم و هستیم. و ظادار به این سنی اصولی و انقلابی، ما از هر تصحیح واقدامی که در جهت محدود کردن، شرم‌بزدن و نابود کردن سلطه سرمایه‌داری غارتگر و زمینداری بزرگ باشد، حمایت کرده‌ایم و میکنیم و از هر تدبیر و عملی که به حکومت تودم‌مردم‌پروختن‌کننده یا بنامه و منافع طبقاتی آنها را در نظر بگیرد، پشتیبانی کرده‌ایم و خواهیم کرد. ما این مسئله و این روش راهمین امروز برای مقابله با توطئه‌های شیطان بزرگ - آمریکا، امم از توطئه‌های نظامی یا دستکاری مواصل، تجاوز کاری چون صدام، توطئه‌های اقتصادی، محاسره و خرابکاری، توطئه‌های سیاسی بیاری عوامل منطقه‌ای از خارج، یا لیرال از داخل، مسئله‌های حیاتی و مرم و دشمن شکن میدانیم و آنها وسیله بسیار موثر و اساسی منظور جلب توجه‌های میلیون‌ها بانقلاب و دفع نازشانی‌ها و دل‌سری‌ها و وسیع شور انقلابی آنها و غلبه بر مشکلات پیشامی، در فردای همین نیز آنها تنها را می‌تواند و تسلیق انقلاب و شکوفائی آن، قلبه بر عقیده‌اندکی‌های بی‌شمار اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و رسیدن به استقلال و آزادی واقعی، سرزندگی و سلامت بشری، تسکین‌ناپذیر شدن در برابر هرگونه توطئه امیریالیسم و هر نوع تلاش عمال داخلی آن میدانیم. منی ما در این زمینه حیاتی نیز اصولی، انقلابی و استراتژیک؛ ششون از اندیشه همگامی و تشریک مساعی کلیه نیروهای راستین انقلابی برای حال و آینده همین ماست. سخنان کر امام خصمی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، بیان این اصل اساسی و تاریخ‌ساز است که: تاسیت‌انقلاب و نیاز انقلاب، «حکومتی است که برای مستضعفان باشد».

ایجاد کانونهای خرابکاری و تشنج و زمینسازی برای فعالیت ضد انقلاب بوده است».

از بسیاری سرمایه‌داران بزرگ و وابسته سلب مالکیت و قدرت شده. بسیاری از صنایع و سیستم بانکی ملی شده. با بورس‌یاری و زمین‌فروشی مقابله شده. ولی همچنان سرمایه‌دارها زالوار شیره جان مردم را می‌کنند. در عرض یکسال به اندازه چندین سال چابول کرده‌اند، تولید کارخانجات را خوابانده‌اند، کارهای ساختمانی را قلع کرده‌اند، تجارت را به غارت بدل کرده‌اند احتکار میکنند».

خرابکاری میکنند و نارضامی فرارشان، زمین‌ساز فعالیت‌ها و تبلیغات ضدانقلاب و ستم ارتباطی غارت امیرالیستی را ازین و سایر واسطه‌های دست دوم و سوم در کشورهای اروپای غربی و ژاپن و یا کشورهای عربی خلیج فارس و... ششمانند تا نظام حکومتی ما دست این سرمایه‌داران غارتگر را قطع نکنند، انقلاب ما به پیروزی واقعی نرسد».

از مملکت‌دارها و یا همان بزرگ‌مالکان، امم از ثرواد و خان یا سرمایه‌دار صاحب زمین، بیست خود دهقانان و در اجرای فرمان قبلی امام خصمی مبنی بر کشت زمینها، مقداری از اراضی گرفته شده و عملاً به صاحبان اصلی آنها، که دهقانان تبهیست باشند، رسیده است. قانونی هم برای اصلاحات ارضی، همراه با یک آیین‌نامه اجرائی، از تصویب شورای انقلاب گذشته است. در طی ماهها، به برکت فعالیت پرشور ارضای شمه‌چاپ سازندگی و افراد شایسته سپاه پاسداران، در مناطقی حق به حق‌دار رسیده است و هیست‌های ۲ نفری هم می‌رفند تا کار بزرگ‌مالکی غارتگر را یکسر کنند و پشنامه یکی از مؤثرترین نهادهای انقلابی، بر طبق مواد قانونی، کاری کنند تا دیگر «هرچه بوده» و متوجه حکومت، برای مملکت‌دارها و خانها نیاند. اما در عین‌حال، هنوز که هنوز است، مسئله حیاتی و مرم زمین مملد در انتظار حل است. دهقانان چشم‌پراهند بزرگ مالکان، ثروادها و خوانین توطئه میکنند، چاق‌دار و تفنگدار اجیر میکنند، روحانی‌مایان مزدور و لیرال‌های طرفدار زر و زور را بسج کرده‌اند، تا علیه اصلاحات ارضی تبلیغ کنند. آنها با اعمال فشار موقتا مانع اجرای بند ۳ ششمانند، هنوز میلیون‌ها هکتار زمین در دست این فارتگران است و میلیونها دهقان در انتظار آند که نمره کار و زحمتشان مال خودشان باشد و زمین که با خون دل و عرق‌پیشانی به‌بار نمانده‌اند، متعلق بخودشان گردد. دهقانان می‌طلبند که حکومت قدرت در کشور، طرفدار آنها و مدافع منافع آنها و مال خود آنها باشد. تا چنین نشود و تا نظام‌زائیده انقلاب، ریشه بزرگ‌مالکان را برکنند، انقلاب ما به پیروزی واقعی خود نرسیده است».

آری، رهنمود امام خصمی روشن و دقیق است. این رهنمود وظیفه فوری سکانداران حکومت و راه‌کامل آینه را روشن میکند. اگر میخواهیم که خون شهدای عزیز ما و کوشش میلیونها انسانی که بازم و ابراه خود قدرت جنبی شاه را سرنگون کردند، به‌پیر نرود، تنها و تنها باید بر سینه تاریک راهی که قدرت مملکت‌دارها و سرمایه‌دارها و قلدرها و خانها را تأمین میکند، دست زد نهاد. باید در پهنای پرفرغ راهی گام نهاد که حکومت مستضعفان: کارگران و دهقانان، پاره‌نمها و زانف‌نشینان، جنوب‌شهریها، مردم کوچه و بازار راه مستقر کند. معنای «تحقیق کیفی» انقلاب، در عمده‌ترین خطوط خود، جز این نیست. سخنان امام خصمی بار دیگر خصیت عمیقاً خلقی و مردمی خط امام را روشن میکند و نشان میدهد که جز با جانبداری بی‌غشبه و کامل از زحمتکشان و سرودن کامل همه‌امور بدست آنها، جزایوتوجه به‌این معنا که حکومت باید در خدمت و مال مردم باشد، و جز حل مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور در جهت منافع مستضعفان، نمی‌توان

حکومتی برای...

بچه از صفا ۱

خلقی این خطه زیرا که ضد استکبار و ضد استعمار است و جانب توده عظیم محرومان جامعه: «این یازده سال، این کوچه بازاریها، این زانف‌نشینان را شکفته امام خصمی، میکشد، دولت را خدمتگزار مردم می‌خواهد و حکومت را تابع جنبش‌شهریها، کارگرها و کشاورزها میداند».

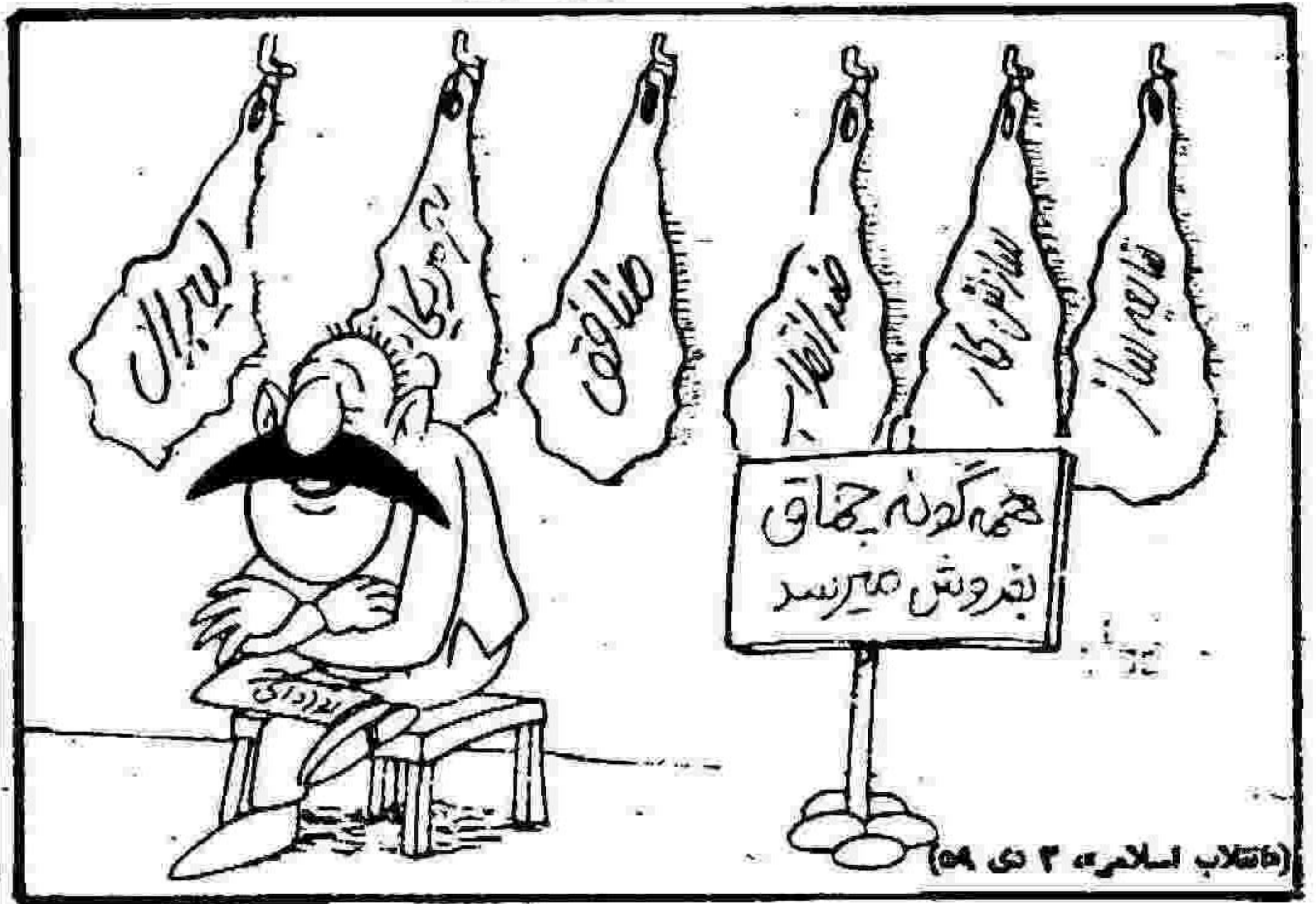
انقلاب ما به پیروزی قطعی و نهائی نخواهد رسید، تحکیم نخواهد شد و پیشرفت نخواهد کرد، مگر آنکه این خصلت، در کنار همراه خصلت ضد امیریالیستی آن، آشکارا و بارز در حکومت، در سیاست‌نویس و برنامه و برداشت حکومت، نه‌مقتض با زبان باید، بلکه تمام تاز و بود آنها تشکیل دهد و عصاره اصلی و مایه حیات آن باشد. اگر قرار باشد که بهرامی از اسلمه و بهر نحوی از انطه، در اینجا و آنجا به این یا به این صورت، به این یا آن پنهان، باز هم مملکت‌دارها و سرمایه‌دارها و قلدرها و روسا و خانها حکومت کنند و سکانها را بدست گیرند، انقلاب ما نابود خواهد شد».

مسئله حیاتی‌ایست که دیگر مملکت‌دارها بر اراضی جنگ‌نیاندازند و بساط مملکت‌داری که هزاراد غارت و ستم و فساد است، ادامه نیابد. دیگر سرمایه‌دارها بر موسسات تولیدی و کارخانجات و بانکها و موسسات مالی و بازرگانی و خدماتی تسلط پیدا نکنند و بساط سرمایه‌داری، که بدون تردید تا در وابستگی به سرمایه‌داری جهانی و انحصارات امیریالیستی قابل زیست است و سرمنشأه چابول و ظلم و تهمین است، گسترده نشود بکنته امام (۱۵ آذر ۵۹) «این‌ها بانگ هستند اینها غارت امیرالیستی این مملکت را» خالیدیکر نیروی شیطان زور و زور و ترور نباید بتواند سيطرة خودکامه قدرت‌دارها را مستقر کند، بلکه بجای حکومت قلدرها، مردم (۱۵ مرداد کوچه و بازار... این کشاورزها و کارگرها... این کوشش‌کنان باید بر زندگی و آئین سرشوت خود حاکم شوند، اراده خود مردم و نظام‌شورائی، که بیانگر این اراده است، باید قدرت و سرمنشأه حکومت باشد».

پس است حکومت مالکان و سرمایه‌دارها و قلدرها و قدرت‌دارها، که ۲۵۰۰ سال حکومت ظلمت آفرینند! حکومتی که در مقابل مردم بود و مردم با آن مطلقاً مخالف!

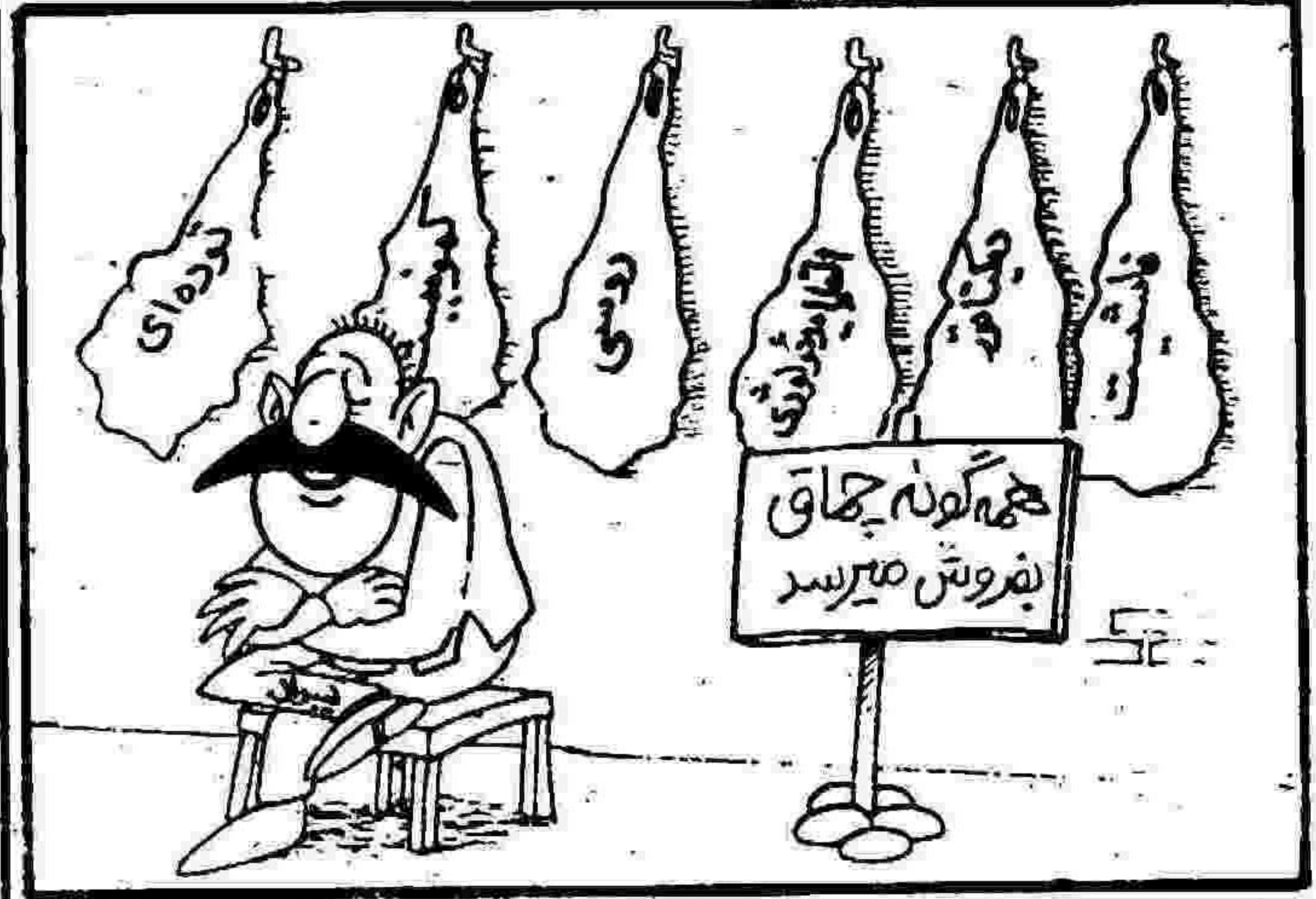
آری، مسئله این است: حکومت با کیست؟ حکومت کیست؟ حکومت مستضعفان، طبقات مستکین و زحمتکش و محروم و مظلوم، یا حکومت مستکبران، طبقات سرمایه‌دار و مملکت‌دار و خان و قدرت‌دار؟ این مسئله، تعیین‌کننده آینده کشور ما و تعیین‌کننده سرشوت انقلاب‌یست. سخن امام خصمی روشن و دقیق است. هیچ تدبیر و تفسیر بر نمی‌آید، سرانجام و آشکارا می‌تواند: هر قدر هم حکومتی نام خود را عادل بگذارد، هر قدر هم مستکینان باشد، تا هنگامی که در خدمت مستضعفان و متعلق به زحمتکشان نباشد، حامی استعمارگران و قلدرها خواهد بود و جزئی از دوران ظلمت. ۲۵۰۰ سال گناه این حقیقت بزرگ است. بریدن از گنجهت ظلمت‌تبار و ورود پدوران نوبتی که تاسیت انقلاب بزرگ ما باشد، در گروی تغییر ماهیت حکومت نقش و خصلت طبقاتی آن است. «توجه باید به این جنبه‌ها باشد» در این راه تاکنون بسیار چیزها انجام گرفته و بسیار چیزها انجام نکرده است. آنچه انجام شده، موجب تقویت و تحکیم انقلاب، نشانه عشق و امالت آن و نویددهنده پیشرفت و تمیق آن است. آنچه انجام نشده، موجب ترلزها و پنهان‌ها، لغزشها و نارسائی‌ها،

به زبان لیبرالی



(فدای اسلام ۲ دی ۵۹)

ترجمه به فارسی



اعلامیه سازمان حزب توده ایران در ساری:

توطئه هفتم امپریالیسم آمریکارا خنثی کنیم!

امریکا است، متحرف کند و با گشودن جبهه‌های متحد در درون خلق، تضعیف و بی‌ثباتی و یاس را بین مردم برآورد...

حوادث اخیر ساری گوشه‌ای از نقشه آمریکا برای اجرای توطئه هفتم است.

مردم قهرمان ساری! اکنون که تهاجم رژیم جنایتکار صدام به ایران انقلابی، به‌اشاره و حمایت امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا...

روز چهارشنبه ۲۶ آذرماه ۵۹، ضدانقلاب دست به یک عمل فاشیستی زد و یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران را به قتل رساند...

روز چهارشنبه ۲۶ آذرماه ۵۹، ضدانقلاب دست به یک عمل فاشیستی زد و یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران را به قتل رساند...

حزب توده ایران - سازمان شهرستان ساری از مردم قهرمان ساری می‌خواهد که با هتیار خود توطئه جدید امپریالیسم آمریکا را خنثی کنند...

وزیر کشاورزی...

رفقار آنها نسبت به یکدیگر و خارجیا، من قبل از بازگشت به ایران سالها در آمریکا تحصیل کرده‌ام...

من راجع به فرم‌های لازم از کسب‌وکاری آمریکا در شیراز تحقیق کردم و بین گفته شد فرم اطلاعات بیوگرافی...



استانیلا کاتیا گفت: نوسازی و احیاء لهستان باید به تحکیم دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی منجر شود

اولین اجلاس کمیسیون مامور تدارک کنگره فوق‌العاده حزب متحد کارگری لهستان به ریاست استانیلا کاتیا، دبیر اول کمیته مرکزی حزب، تشکیل شد...

در جریان نوسازی و احیاء کشور باید هم منافع سوسیالیسم را در لهستان ارتقا دهد و هم به تحکیم اتحاد و دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی منجر شود...

تراژدی رستی در آمریکا به‌شدت اعمال می‌شود

تشریح جامعه‌شناسی بنام «آمریکا: اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی» نوشته است: «تمام حاکم بر آمریکا با زیربا گذاشتن اصول حمایت‌یکسان در برابر قانون برای همه، که چهاردهمین اصلاحیه قانون اساسی آمریکا آگرا بیان نمک به‌تنی آشکار این قانون دموکراتیک بوده‌های...

دانشمندان و هنرمندان مترقی در آمریکا تحت فشار قرار دارند

در شهر دیترویت آمریکا، برای حمایت و دفاع از دانشمندان و هنرمندان مترقی که نقش مهمی در زندگی اجتماعی دارند، پول جمع‌آوری می‌شود...

همدردی...

دلچیان و روستاهای «گیوه» و همتجربه بکلی ویران شده‌اند. از فرمانداری قم درخواست شده است که هرچه سریعتر به آسیب‌دیدگان این مناطق یاری...

اگر اتحاد شوروی به تقاضای رهبران افغانستان پاسخ نداده بود، اینک افغانستان بعنوان کشور آزاد وجود نداشت

برتسورف، رئیس هیئتمدیره اتحادیه کمونیستهای جوان سوئد به افکار عمومی کشور توصیه کرد که هیئتکی خود را با ملت افغانستان تحکیم کنند و توطئه‌های امپریالیستی را علیه دستاوردهای انقلاب تور این کشور افشاء کنند...

نیروهای انقلاب...

بطور سرپایز درمان شدند. همچنین در ساعت ۱۵:۰۳ روز دوشنبه درگیری درطول جبهه‌های آبادان و خویین‌شیر جریان داشته است. خبرگزاری پارس از اهواز نیز گزارش داد: در طول روزهای یکشنبه و دو شنبه نبرد بی‌وقفه در جبهه کرخه در غرب منطقه اندیشک بین رزمندگان انقلاب و متجاوزین ادامه داشت که طی آن ۵ تن از مدافعان انقلاب مجروح شدند و از تلفات نیروهای دشمن اطلاعی در دست نیست...

Advertisement for 'نامه مردم' (People's Letter) magazine, including subscription rates for various countries and contact information for the publisher in Tehran.

سئوال از آقای دکتر ابراهیم یزدی: حاجت‌الاسلام سیدحسین خویی چندین‌بار در یک گفتگو با روزنامه اطلاعات (۵۹/۹/۱۷) از جمله گفت: «قطب‌زاد... میگفت آقای یزدی گمراهه و یا برگ سبز از آمریکا گرفته است، یعنی از قراری که میگویند این یک نوع مهدی است که به آمریکا حیات نکتند...» سئوال از آقای دکتر ابراهیم یزدی: آیا شما دکارت سیزه از دولت آمریکا دارید؟